

توصیه‌هایی کاربردی از امام رئوف(ع)



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رئوفی
عضو هیئت‌علمی جامعه‌المصطفیان(ص)

سیره نورانی امام‌رضا^(ع) به‌عنوان عالم آل محمد^(ع) سراسر آموزه و راهبرد برای زندگی موفق و سعادت‌مندانه است. حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) فراوان از امور مختلف مردم‌گره‌گشایی و به‌آن توصیه‌می‌کردند؛ چنان‌که می‌فرمودند: «هرکه باری از دوش دیگران بردارد، خدا روز قیامت بار از دوش او برمی‌دارد». شاید در گره‌گشایی از دیگران، برخی از ما توان مالی لازم را نداشته باشیم، اما می‌توانیم از اعتبار و آبرویمان هزینه واز این طریق مشکل دردمندی را برطرف کنیم. در حدیث است شفاعت، زکات جاه و مقام است؛ این یعنی آن‌ها که آبرو و اعتبار دارند، به‌واسطه همین قدرت از دیگران گره‌گشایی کنند، به‌ویژه آنکه بنا بر آموزه‌های دینی ما، کاری بالاتر از رسیدگی به عیال خدا و مردم آبرومند نیست. نقل است شخصی به محضر پیامبر^(ص) رسید و عرض کرد: «می‌خواهم محبوب‌ترین مردم باشم». حضرت رسول^(ص) در پاسخش فرمودند: «محبوب‌ترین افراد، نافع‌ترین آن‌هاست».

نسخه زندگی مؤمنانه

امام رضا^(ع) برای زندگی مؤمنانه، نسخه‌ای کاربردی دارند و می‌فرمایند: انسان، مؤمن نیست مگر اینکه سه ویژگی در زندگی او باشد؛ (یعنی زندگی مؤمنانه در نگاه و راهبرد رضوی سه شرط و بعد دارد): نخست سنتی که از خدا وام گرفته است؛ یعنی کتمان و مخفی نگاه داشتن سر و راز دیگران، دومین ویژگی، سنتی از پیامبر^(ص) که مداراست. رسول خدا^(ص) به‌شدت اهل مدارا بودند و می‌فرمودند: «همان‌طور که خدا من را به رسالت برگزید، من را به مدارای با مردم هم امر کرد» و ویژگی سوم، سنتی از ولی خدا و امام است؛ یعنی صبر و تحمل در سختی‌ها و ناملایمات و پریشانی‌ها.

دعا در حق اصیاگران امر اهل‌بیت(ع)

امام رضا^(ع) همچنین بر تبیین و نهادینه کردن معارف اهل‌بیت^(ع) برای هدایت‌امت تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «خداوند، رحمت کند آن بنده‌ای را که امر ما را زنده کند!». پرسیدند: «چگونه امر شما را زنده کند؟». حضرت فرمودند: «علوم ما را فراگیرد و به مردم پیام‌وزد که اگر مردم، زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از پیروی می‌کردند». ازجمله احادیث راهبردی برای همه‌ادوار تاریخ، حدیثی است که امام‌رضا^(ع) از اجدادشان تا رسول خدا^(ص) و نهایتاً از قول خدا بیان می‌کنند و آن حدیثی قدسی است با این محتوا که: «رسول خدا^(ص) فرمودند خدای می‌فرماید: ای انسان‌ها! شما انصاف را در باره من رعایت نمی‌کنید؛ چون من به شما نعمتی می‌دهم و شما بای آن نعمت، گناه می‌کنید!». به عبارت دیگر این بی‌انصافی است که با نعمت چشم، به نامحرم نگاه کنیم یا با نعمت زبان، غیبت کنیم و تهمت بزنیم. حضرت ثامن‌الائمه^(ع) در ادامه این حدیث قدسی از قول خدا آورده‌اند: «از من دائم به تو خبر می‌رسد و از تو دائم شر متوجه من می‌شود» (اعم از دروغ، غیبت، تهمت، و...). انصاف جدای از عدالت است؛ عدالت یعنی هر فردی به اندازه شایستگی خود از برخی نعمات و برکات بهره‌منداست. اما انصاف براساس روایات، والاترین فضایل و صفتی اخلاقی است.

توصیه‌هایی به دعاکنندگان

امام رضا^(ع) به‌شدت به رعایت انصاف در حق خدا سفارش می‌کردند. یکی از اصحاب به نام احمد بن ابی‌نصر بزنطی به محضر حضرت ثامن‌الحجج^(ع) رسید و عرض کرد سه سال است حاجتی دارم و خدا اجابت نکرده است و من دچار بدگمانی به خدا شده‌ام! حضرت در پاسخ وی فرمودند: «مراقب باش! شیطان از همین جا نفوذ می‌کند. آیا اگر من به تو وعده‌ای دهم، تو شک می‌کنی؟». وی پاسخ داد: خیر. حضرت فرمودند: «خدا خالق ماست، شک نکن. وقتی می‌گویی: اِذْ عٰوْنِیْ اَسْتَجِبْ لِّکُمْ، وعده‌اش راستین است». عالم آل رسول^(ع) همچنین تأکید می‌کنند: «با خدا انصاف داشته باشید و به خدا بدگمان نباشید؛ این یعنی اگر حاجاتمان دیر و زود شد، به خدا گمان بد نبریم. دوم آنکه با نعمت‌های خدا گناه و معصیت نکنیم و سوم آنکه نقش اسباب را پررنگ‌تر از خدا نبینیم و نهایتاً آنکه در امتحانات الهی جزع و فرع نداشته باشیم».

حرم امام رضا(ع)؛ به‌مثابه کتاب هدایت



غلامرضا بنی‌اسدی
وزیراعمال دینار

حرم را، حتی سازه‌های فیزیkal آن را، نباید با نگاهی چون سازه‌های دیگر دید. این کالبد، به اعجاز روحی، حیات یافته است که می‌تواند با زندگان ارتباط بگیرد و به زندگی‌ها، جانی دوباره ببخشد. به گمان من، حرم را باید به‌مثابه سلسله مناسک و توأمان شعائر دید، جایگاهی به‌مثابه بستر معارف و مظهر معرفت.

رویش خلاقیت‌ها و اخلاق، «هوده»ای است که زائران بدان جان فربه می‌کنند و از «بیهودگی»، فرسنگ‌ها فاصله می‌گیرند. گنبد‌ها اینجا «حائر»، می‌شود برای دعا، پنجره‌ها نگاه آدمیان را از خاک به افلاک می‌کشاند. شبستان‌ها، «شب‌های جهان افروز» را برای پندگان خدا ظهوری ناب می‌دهند تا حرف اهل معنا ترجمه شود که: «روشان را به حقیقت، شب ظلمانی نیست». در حرم، «نگاه‌ها» بی‌گناه می‌شود و حرمت‌داری، از مکان به مکین منتقل می‌شود. اینجااست که می‌توان آن کلام معیار را دوسویه خواند. اول، شرف‌المکان بالمکین که این خاک به حضور حجت خدا شرافتی تام یافته است. ذات هستی‌یافته‌ای است که می‌تواند هستی‌بخش باشد.

چنین است که می‌توان «شرف‌المکین بالمکان» را هم به صواب یافت. واژه تشرّف برای زیارت از همین معنا دریافت می‌شود. حرم را شرافتی است که با تشرّف باید کاسه جان را از دریای آن، پر کرد. در کالبدی چون حرم است که جانی چون زیبایی رضوی جاری می‌شود؛ همان که در کلام امام‌رضا^(ع) چنین بدان تصریح می‌شود: «إِنَّ النَّاسَ لَوَ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَأَتَتْهُنَا، اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند، بی‌شک از ما پیروی می‌کردند». اینجا کلمه ناس/مردم، معنایی لطیف دارد. همه خلائق را در بر می‌گیرد. گستره مخاطبان، بسیار فراتر از مؤمنان است که مردم – به هر دین – به فطرت انسانی خود زیبایی طلبه‌ستند و کمال خواهند، چیزی که در کلام و سیره امام موج می‌زند. مناظرات و گفت‌وگوها و مباحث ایشان دقیقاً همین هدف را دنبال می‌کند. مناظره هم میان خودی‌ها و هم اندیشان شکل نمی‌گیرد. میان دو و چند نحلّه فکری است، میان افکار متضاد، منتها با نهایت ادب و حرمت‌گذاری.

زیبایی‌های کلام و رفتار صاحب حرم است که نامحرم‌ترین‌ها برای بندگی راه‌بمحرّم‌ترین‌ها در ساخت زندگی تبدیل می‌کند. اینجااست که می‌توان گفت حضرت رضا^(ع) مظهر شأن جباریت خداوند نیز هست، به این معنا که همه کمبودهای ما را جبران می‌کند. ما صفرهایی هستیم که چون در سمت راست عدد صبیح که امام است بایستیم، معنا پیدا می‌کنیم و اجرمان ده چندان می‌شود. حرم اولین گستره زمینی برای جبران است. زمان هم فصل جبران می‌شود وقتی زندگی ما به «علمانا محاسن کلامهم» به متابعت ارتقا یابد. باری حرم را باید جور دیگری دید؛ بسان دفتری که به کلام حق نگارش یافته است؛ بسان کتاب هدایت.

شهرک

۳۳شنبه
۱۳شهریور ۱۳۹۳
۲۹ صفر ۱۴۴۹
شماره ۴۴۱

۱۴



معرف



حجت‌الاسلام
والمسلمین
راشدیزدی؛
یکی از درس‌های
ضروری که ما
شیعیان باید در
شرایط امروز جامعه
از امام‌رضا^(ع)
بگیریم، توجه به
دانش‌اندوزی و
علم‌آموزی است.
جامعه ما باید با
نگاه به سیره عالم
آل محمد^(ع)، دانش را
در خود تقویت کند

هجرتی سرنوشت‌ساز برای شیعه

هجرت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) به ایران، هم به تشیع مرکزیت داد و هم به شیعه تقویت و تشکل بخشید؛ اگرچه ولایتعهدی به اجبار رخ داد و حضرت به‌ناچار از مدینه راهی مرو شدند اما تدبیر عالم آل رسول^(ع) آن دشمنی و توطئه را تبدیل به فرصت نشر علوم اهل‌بیت^(ع) کرد؛ چه در طول مسیر و چه هنگام حضور در مرو و در جلسات مناظره‌ای که مأمون تدارک می‌دید، حضرت رضا^(ع) چنان همه را مقهور می‌کردند که سران مکاتب و مذاهب، همه به غلظت مقام علمی ایشان اعتراف می‌کردند.

چرایی شهرت به ثامن‌الحجج(ع)

امام‌رضا^(ع) القاب متعددی دارند. یکی از آن‌ها «ثامن‌الحجج» است. در صورتی که به پدر ایشان سابع‌الحجج و به فرزندشان ناسع‌الحجج نمی‌گویند. علت شهرت امام‌رضا^(ع) به این لقب، آن است که طرح مسئله امامت و امام که از زمان بنی‌امیه تا مأمون عباسی ممنوع بود، در زمان امام‌رضا^(ع) به گونه‌ای رایج شد که امام‌رضا^(ع) در کاخ خلیفه و روی فرش منزل او می‌نشستند و موضوع امام و امامت و ولایت را در مجلس مناظرات، علنا و در حضور خلیفه مطرح می‌کردند و به این دلیل بعد از امام‌رضا^(ع) در شیعه، شعبه‌ای پدید نیامد.

مبارزه با فرقه‌سازی در تشیع

حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) مسئله امامت و ولایت را حل و آن را در بین شیعیان تثبیت کردند. ما قبل از امام‌رضا^(ع) شیعه علوی داریم که هم اکنون نیز در سوریه و فلسطین تعدادشان زیاد است. آن‌ها امیرالمؤمنین^(ع) را جانشین پیغمبر^(ص) می‌دانند و امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) را محترم می‌شمارند. گروهی دیگر از شیعیان به نام زیدیه تا امام زین‌العابدین^(ع) را قبول دارند و بعد از او زید بن علی بن‌الحسین^(ع) را امام می‌دانند. گروه دیگری از شیعیان به نام اسماعیلیه تا امام صادق^(ع) را قبول دارند و بعد از ایشان فرزندشان، اسماعیل بن جعفر^(ع) را که حتی قبل از حضرت از دنیا رفته بود، امام می‌دانند و منتظر ظهور او هستند.

گروه زیدیه بیشتر در یمن حضور دارند؛ البته تعدادی از آن‌ها در عربستان سعودی به سر می‌برند. آن‌ها برای خود صاحب کتاب و تشکیلات هستند. بعد از زیدیه، گروه دیگری از شیعه به نام واقفیه بودند که البته این گروه تقریباً منقرض شده‌اند. آن‌ها تا موسی بن جعفر^(ع) را قبول دارند و امام‌رضا^(ع) را قبول ندارند.

امام‌رضا^(ع) مسئله تشمت و پراکندگی در میان شیعه را حل کردند، لذا اگر کسی به امام‌رضا^(ع) به‌عنوان امام هشتم باور داشته باشد، شیعه‌اثنی‌عشری است؛ چون بعد از حضرت ثامن‌الحجج^(ع) هیچ شک و شبهه‌ای در موضوع امامت به‌وجود نیامد و گروهی پیدا نشد که امامت امامی را منکر شود و حضرت این مسئله را به‌وضوح و روشنی بیان کردند و باب فرقه‌سازی در تشیع پس از ایشان بسته شد و دیگر با پدیده‌ای به نام شیعه هشت امامی یا نه امامی مواجه نیستیم.

تفاوت زائران رضوی

امروز در آستان قدس رضوی خادمان و کفشداران حرم مطهر می‌دانند که کفش هرکه را می‌گیرند و به هرکه خدمت می‌کنند، او شیعه‌اثنی‌عشری است. درحالی‌که در دیگر اماکن مقدس و عتبات این‌طور نیست؛ چون شیعه علوی، شیعه زیدیه و شیعه اسماعیلیه هم به‌نجف و کربلا می‌روند، ولی هرکه به زیارت امام‌رضا^(ع) می‌رود، شیعه‌اثنی‌عشری است و از اسرار فضایل بی‌مثال زیارت حضرت هم همین است... لذا حضرت امام‌رضا^(ع) به ثامن‌الحجج مشهور شدند.

یادگار تاریخی امام‌رضا(ع)

تلاش‌های امام‌رضا^(ع) در دفاع از امامت و تبیین مسئله ولایت، ابعاد گسترده‌ای دارد، چنان‌که ایشان در مسیر مرو و هنگام حضور در نیشابور، حدیث سلسله‌الذهب را



حجت‌الاسلام والمسلمین راشدیزدی در گفت‌وگو با شهرآرا:

تا ابد مدیون امام رضاییم

آمنه مستقیم! بارها در روایات از ثواب بی‌مثال زیارت امام‌رضا^(ع) و حتی ارجحیت آن بر زیارت کربلای معلی خوانده و شنیده‌ایم و می‌دانیم که تشیع و شیعه بسیار به تدابیر و به‌ویژه هجرت رضوی، مرهون و وامدار است. به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین

محمدکاظم راشدیزدی، درباره برخی دلایل خاص بودن زیارت امام هشتم^(ع) و نیز چرایی شهرت حضرت به ثامن‌الحجج^(ع) گفته‌ایم.

انشاکردند. نقل است وقتی در نیشابور هیئت علمابرای استقبال آقا آمدند و رئیس‌العلماء قدم پیش گذاشت و خیرمقدم گفت، عرض کرد: «وقتی فرد بزرگی به مسافرت می‌رود، با خود هدیه و سوغاتی می‌آورد؛ شما برای ما چه آورده‌اید؟». امام‌رضا^(ع) در پاسخ فرمودند: «علاج همه دردها در هر زمان و در هر مکان در این نسخه است» و سپس حدیث سلسله‌الذهب را برای آن‌ها قرائت کردند.

شرط مصونیت از فتنه‌ها

حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) فرمودند: «ایمان به خدا مانند دژی مستحکم است، هرکه وارد این دژ شود، مصونیت الهی پیدا می‌کند». مصونیت یعنی در امنیت بودن، یعنی اینکه شیطان دیگر نمی‌تواند روی انسان اثر بگذارد؛ چون تحت چتر امن الهی قرار گرفته است. هیچ چیز مانند ایمان به خدا، انسان را به آرامش نمی‌رساند. هرچه وسعت زندگی بیشتر باشد، آشفتگی هم بیشتر می‌شود. ولی ایمان به خدا، دل انسان را آرام و محکم می‌کند.

ضروری‌ترین نیاز امروز به سیره رضوی

یکی از درس‌های ضروری که ما شیعیان باید در شرایط امروز جامعه از امام‌رضا^(ع) بگیریم، توجه به دانش‌اندوزی و علم‌آموزی است. جامعه ما باید با نگاه به سیره عالم آل محمد^(ع)، دانش را در خود تقویت کند؛ یعنی همه مردم باید به دنبال دانش بروند تا زندگی آن‌ها تغییر کند؛ زندگی با فرهنگ مترقی اسلامی تغییر می‌کند، نه با تغییر منزل و پوشش و خودرو.

راهی که امام پیش پای شیعه گشودند

قرآن هم تأکید می‌کند: «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه در خودشان است، تغییر دهند». از ابعاد مهم این تغییر، تغییر فکر و اندیشه است که با کسب علم و دانش ممکن می‌شود و این همان راهی است که امام‌رضا^(ع) به‌عنوان عالم آل محمد^(ع) لبیش پای ما گذاشته‌اند. شیعه امام‌رضا^(ع) یا باید عالم ربانی باشد یا دانشجو و طالب علم. به عبارت دیگر، جامعه اسلامی شیعی رضوی دو گروهند؛ یا در حال خواندن درس یا بالفعل، عالم هستند؛ وگرنه ستون جامعه خرد می‌شود.

روشنا

امام‌رضا^(ع)؛ هرکه بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است. کمال‌الدین، ص ۶۶۸، ح ۱۱۰، گزیده حکمت‌نامه رضوی، صفحه ۳۷۰.

نور خدا بر روی زمین

با پسرش آرام صحبت می‌کرد و بعد از چند دقیقه حال امام بدتر شد و دیدم که کف از دهانش بیرون می‌زد و بعد آرام گرفت.

پسرش محمد بن علی برای غسل آب خواست. خواستشان رسیدند اما برای اینکه دوستان‌اران حضرت که حالا کم هم نبودند، علبش شورش نکنند، شیون‌کنان رسیدند که چه شده است و ما بی‌خبریم؟ دستور داد قبری نزدیک قبر پدرش بکنند و امام را همان جادفن کردند. علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) را کشت و خودش جای دفن برایشان تعیین کرد. انگار از قدرت امام بعدشهادت ایشان هم می‌ترسید و خواست تا نزدیکش باشد.

فرستادند. امام عبايش را روی دوش انداخت و رفت.

مأمون از جایش بلند شد و امام را در آغوش کشید. خوشه انگوری در دست داشت. به امام تعارف کرد، ایشان نخورد. مأمون چهره دلگیری به خود گرفت که یعنی علی بن موسی! به ما شک داری؟ فکر کردی ما قصد جانت را کرده‌ایم؟ تو ولیعهد مایی؟ اصرار کرد و امام از انگور خورد.

وقتی آمد، عا بش روی صورتش بود. ترس هایم به واقفیت بدل شده بود.

اما این کجا و آن کجا؟

مأمون می‌خواست امام را نزدیک خود نگه دارد تا قدرت نگیرد اما حالا نزدیک خود او قدرت داشت و این موضوع بد جور او را می‌ترساند. من هم می‌ترسیدم اما نه از قدرت امام، از جان ایشان می‌ترسیدم. بعد تر گفتند همین‌طور هم شده است. مأمون که نقشه‌هایش نقش بر آب شده بود، تصمیم به قتل ایشان گرفت.

دم‌دمه‌های صبح بعد نماز بود که دنبالش